

در این وادی و ایام غمزده که نگاه به حرف و اصناف و افراد در جامعه ما بسیار متغیر است بر آن شدم که مواردی را به زعم خود در رابطه با جامعه پزشکی برای تذکر همکاران گروه پزشکی به شرح هفتگانه زیر به رشته تحریر در آورم.

۱. صعوبت پزشکی: دوره طولانی تحصیلی، کشیک‌های شبانه و ایام تعطیل، نداشتن تعطیلی بین ترم و تابستانی و نوروزی و حتی روزهای تعطیلی همگانی، مفاد قانونی طرح و ضریب کا و مناطق محروم و الزام کسب امتیاز برای مطب و غیره، همگی بر صعوبت این رشته نسبت به سایر رشته‌های علمی می‌افزاید.

۲. اتهام‌های وارده بر حرفه پزشکی: برخی آگاهانه و عده‌ای ناآگاهانه، نسبت دادن قشر مرفه و سفر خارج برو، فرار مالیاتی، اجتناب از گذاشتن دستگاه پوز در مطب، و اتهام‌های ناجوانمردانه دیگر را در اذهان و رسانه‌ها و غیره نسبت به این جامعه روا می‌دارند. گرچه ممکن است نواذر افرادی از این امور را دارا باشند.

۳. پیشینه حرفه طبابت در ایران باستان: برزویه، گردآورنده کلیله و دمنه، پزشک نامدار و پیشوای پزشکان ایران در عصر خسرو انوشیروان، بوده‌است. او پزشک دربار انوشیروان با کسب اجازه از شاهنشاه برای بدست آوردن گیاهی که مرده‌ها را زنده می‌کند مسافرتی به هندوستان کرد و در آنجا کوشید تا مطلوبش را پیدا کند ولی با عدم موفقیت مواجه شد اما دانشمندان هندی به او گفتند آن گیاه کتاب "کلیلیک و دمنک" است و آن نادانان و نابخردان را که به مثابه مردگان اند عاقل می‌سازد و بدین ترتیب به آن‌ها زندگی می‌بخشد. برزویه کتاب مزبور را به ایران آورد و آن را به پارسی میانه (پهلوی) ترجمه کرد. در سده هشتم میلادی عبدالله ابن مقفع آن را زیر عنوان "کلیله و دمنه" از پهلوی به عربی منتقل ساخت و سپس آن کتاب به زبان‌های مختلف جهان راه یافت. در این برهه یادآوری زندگانی برزویه ولو به اختصار را از زبان کلیله و دمنه، مفید می‌بینم:

چنین گوید برزویه طبیب، مقدم اطباء پارس (۱۵۰۰ سال قبل)، که پدر من از لشکریان بود و مادر من از خانه علمای دین زرتشت بود؛ و اول نعمتی که ایزد تعالی و تقدس، بر من تازه گردانید، دوستی پدر و مادر بود و شفقت ایشان بر حال من، چنان که از برادران و خواهران مستثنی شدم و به مزید تربیت و ترشیح مخصوص گشت؛ و چون سال عمر به هفت رسید، مرا بر خواندن علم و طب تحریص نمودند؛ و چندانکه اندک وقوفی افتاد و فضیلت آن بشناختم، به رغبت صادق و حرص غالب در تعلم آن کوشیدم، تا بدان صنعت شهرتی یافتم و در معرض معالجت بیماران آمدم. آنگاه نفس خویش را میان چهار کار که تکاپوی اهل دنیا از آن نتواند گذشت، مخیر گردانیدم: وفور مال و لذات حال، و ذکر سایر و ثواب باقی؛ و پوشیده نماند که علم طب نزدیک همه خردمندان و در تمامی دین‌ها ستوده‌است؛ و در کتب آورده‌اند که فاضل‌تر اطبا آن است که بر معالجت از جهت ذخیرت آخرت مواظبت نماید، که به ملازمت این سیرت، نصیب دنیا هر چه کامل‌تر بیاید و رستگاری عقبی مدخر گردد، چنان که غرض کشاورز در پراکندن تخم، دانه باشد که قوت او باشد، اما کاه که علف ستوران است به تبع آن هم حاصل آید. از جمله بر این کار اقبال تمام کردم و هر کجا بیماری نشان یافتم که خود در مال و جاه بر خویشتن سابق دیدم، نفس بدان مایل گشت، و تمنی مراتب این جهانی بر خاطر گذشتن گرفت، و نزدیک آمد که پای از جای بشود. با خود گفتم: ای نفس! میان منافع و مضار خویش فرق نمی‌کنی، و خردمند چگونه آرزوی چیزی در دل جای دهد که رنج و تبع آن بسیار باشد و انتفاع و استمتاع اندک؟ و اگر در عاقبت کار و هجرت سوی گور فکر شافی واجب داری، حرص و شره این عالم فانی به سر آید؛ و قوی‌تر سببی ترک دنیا را مشارکت این مشتی دون عاجز است که بدان مغرور گشته‌اند. از این اندیشه ناصواب در گذر و همت بر اکتساب ثواب مقصور گردان،

که راه مخوف است و رفیقان ناموافق و رحلت «نزدیک و هنگام حرکت» (به سوی مرگ) نامعلوم.

به صواب آن لایق تر که بر معالجت مواظبت نمایی و بدان التفات نکنی که مردمان قدر طبیب ندانند، لکن در آن نگر که اگر توفیق باشد و یک شخص را از چنگال مشقت خلاصی طلبیده آید، آمرزش بر اطلاق مستحکم شود؛ آنجا که جهانی از تمتع آب و نان و معاشرت جفت و فرزند محروم مانده باشند، و به علت‌های مزمن و دردهای مهلک مبتلا گشته، اگر در معالجت ایشان برای جَسَبَت سعی پیوسته آید و صحت و خفت ایشان تحری افتد، اندازه خیرات و ثوابات آن کی توان شناخت؟ چون بر این سیاق در مخاصمت نفس مبالغت نمودم، به راه راست باز آمد و به رغبت صادق و حسبت بی‌ریا به علاج بیماران پرداختم و روزگار در آن مُستغرق گردانیدم تا به میان آن، درهای روزی بر من گشاده گشت. هر کس در وی امید صحت بود، معالجت او بر وجه حسبت بر دست گرفتم، برای رضای خدا و بدون طمع و اجر (۱۱).

مراومه پزشکی برزویه طبیب: در باب برزویه طبیب از کتاب کلیه و دمنه، که احتمالاً این بخش نگاشته بزرگمهر حکیم از زبان برزویه است، با اشاره به دوران کودکی برزویه شروع می‌شود و مطالبی مطرح می‌شود که شاید به عنوان مراومه پزشکی در کنار قسم‌نامه بقراط قابل استفاده باشد:

۱- بهترین و برترین پزشکان آنانی هستند که بیماران و رنجوران را برای توشه آخرت درمان می‌کنند و اصل در این کار، کاستن رنج بیماران و رستگاری و ذخیره نیکی برای جهان آخرت است، نه کوشش برای منافع مادی و دنیا طلبی. ۲- پزشک باید هر بیماری را که راه بهبودی آنرا می‌شناسد، بدون استثناء درمان کند. ۳- پزشک نباید حرفه خود را به جاه طلبی بی‌الاید و با پزشکان دیگر در مال اندوزی و کسب شهرت و مقام، رقابت نماید و دل را به وسوسه دنیا طلبی گرفتار نماید. پس خردمند باید به رفتن از این جهان اندیشه کند تا حرص و آز از وجود او پاک گردد. ۴- بدترین آسیب‌ها برای پزشک، معاشرت با مردمان و دوستان پست و مغرور و آزمند است که او را از راه خیر و درست باز می‌دارند. ۵- پزشکان باید خود را وقف خدمتگزاری و درمان مردمان نمایند. ۶- پزشک نباید به این بیاندیشد که مردم قدر زحمات او را می‌دانند یا نمی‌دانند بلکه باید به این بنگرد که کسی را از رنج بیماری رها کرده و آمرزش ابدی را نصیبش گردانیده که رضایت خداوند را در پی دارد و بداند که اندازه صواب و نیکی این کار بسیار زیاد است. ۷- اگر پزشکان شرافت حرفه خود را نادیده بگیرند و این فرصت ارزشمند را به پای بهره‌گیری از دنیای فانی بگذارند، مانند آن کسانی هستند که اموال گرانبهای خود را به نصف قیمت و با ضرر حراج کنند. ۸- پزشک باید بدون تردید، از خودخواهی‌ها پرهیز نماید و نفس سرکش خود را مهار کند و با وجدان بیدار و درستکاری و به دور از ریاکاری و با پشتکار در معالجه بیماران کوشش کند. ۹- پزشک باید بداند اگر برای رضای خداوند و کاستن رنج مردمان بکوشد و پارسایی را پیشه خود سازد، سرانجام درهای روزی و رحمت خداوند بر او گشوده خواهد شد و به برترین پایه‌ها خواهد رسید و در هر دو جهان رستگار و کامیاب می‌گردد. (۲)

۴. نگاه اسلامی به پزشکی و طبابت: طبابت، کار خداوند است. قرآن

کریم، از ابراهیم خلیل (ع) نقل می‌کند که فرمود: "وَأَذَامِرِصْتُ فُهو يشفين" و چون بیمار شوم او (خداوند) شفایم می‌دهد. (۳)

امام صادق (ع): مردم هیچ آبادی از سه گروه بی‌نیاز نیستند که در کار دنیا و آخرت خویش به ایشان پناه برند و چون آنان را نداشته باشند، شوربخت باشند: فقیه دانا و پرهیزگار، امیر نیکوکار و فرمانروا، و طبیب آگاه و مورد اعتماد. (۴)

پیامبر خدا (ص): هر کس یک شبانه روز بیماری را پرستاری کند، خداوند، او را همراه با ابراهیم خلیل (ع)، بر می‌انگیزد و به سان برقی پدرخشش، از صراط می‌گذرد. (۵)

امام علی (ع) نقل از پیامبر خدا فرمود: هر کس در برآوردن نیاز بیماری بکوشد، خواه آن را برآورد و خواه برنیارد، از زیر بار گناه خویش بیرون می‌رود، به سان آن روز که از مادر زاده شده است. (۶)

۵- تداوم خط و نگاه پیشکسوتان پزشکی در بعد از اسلام:
زندگی نامه دکتر مرتضی شیخ (۱۲۸۶-۱۳۵۵ ه.ش): دکتر

مرتضی شیخ در سال ۱۲۸۶ خورشیدی در تهران به دنیا آمد. وی کودکی و همچنین تحصیلات خود را تا سطح مدرسه عالی طب در تهران ادامه داد و با درجه دکترای پزشکی فارغ التحصیل شد. پدر وی زرگر بود و پس از آنکه به دلایلی دچار مشکل مالی شد، مرتضی شیخ ضمن تحصیل به پدر نیز کمک می‌کرد. وی از همین زمان بود که با مشکلات محرومان آشنا شد و گویی با خود عهد بست تا تمامی توان خود را صرف این قشر نماید. او چون برادری دلسوز، متعهدانه از سه خواهر و برادرش نیز نگهداری کرد تا هریک با تحصیلات مناسب به مشاغل شریفی چون آموزگاری و خدمت در پرورشگاه‌ها و خدمات انسانی دیگر اشتغال یافتند. وی پس از اخذ مدرک دکترای به خدمت سربازی رفت. سپس به ماکو و مراغه رفت و آنگاه در عزیمت به سیستان و بلوچستان و خدمت در آن منطقه، موفق به تاسیس بیمارستان دولتی گردید تا مردم مستضعف آن دیار بتوانند از خدمات رایگان بهره ببرند. دکتر شیخ پس از ازدواج از طریق اداره تابعه بهداری به مشهد منتقل و در قالب همان دایره در کارخانه قند مشغول به خدمت شد. وی پزشکی انسان دوست بود، به طوری که کسی از مردم مشهد نیست که نامی از او یا خاطره‌ای از او نداشته و یا نشنیده باشد.

دکتر شیخ از مردم پول نمی‌گرفت و هر کس هر چه می‌خواست در صندوقی که در کنار میز دکتر بود می‌انداخت، و چون مبلغ ویزیت دکتر ۵ ریال تعیین شده بود (بسیار کمتر از حق ویزیت دیگر پزشکان آن زمان)، بیش تر مواقع، سرفلزی نوشابه به جای پنج ریالی داخل صندوق انداخته می‌شد و صدایی مانند انداختن پول شنیده می‌شد. از زبان دختر دکتر شیخ گفته اند که روزی متوجه شد پدرش مشغول شستن و ضد عفونی کردن انبوه سر نوشابه‌های فلزی است. دخترش با شگفتی می‌گوید: "پدر بازی می‌کند؟ چرا سر نوشابه‌ها را می‌شوئی؟" پدر پاسخ داد: "دخترم بیمارانی که نزد من می‌آیند، بهتر است از سر نوشابه‌های تمیز استفاده کنند تا آلودگی را از جاهای دیگر به مطب نیاورند. این سر نوشابه‌های تمیز را آخر شب در اطراف مطب می‌ریزم تا بیمارانی که پول ندارند و خجالت می‌کشند که در صندوق چیزی نیندازند، از اینها که تمیز است استفاده کنند."

درجه اول فرهنگ از وزارت آموزش و پرورش و نشان عالی لژیون دونور از دولت فرانسه دریافت کرد.

دکتر محمد قریب، سرانجام در روز سه شنبه یکم بهمن ۱۳۵۳ در بیمارستان مرکز طبی کودکان، محل کار خود، دار فانی را وداع گفت. مزار ایشان طبق وصیتش، در قبرستان شیخان واقع در قم در نزدیکی آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد. در مراسم تدفین دکتر قریب، محمدرضا شاه پهلوی شخصا به همراه خودروهای دربار پیکر ایشان را از تهران تا قم همراهی کرد و آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، مرجع شیعیان، نماز میت را برای ایشان خواند. (۸)

ایثار جامعه پزشکی در جریان کشتار قبل از پیروزی انقلاب اسلامی: در سال ۱۳۵۷ که اوج مبارزات و تظاهرات مردمی علیه نظام سلطنتی بود. اینجانب که به عنوان دانشجوی سال‌های پایانی پزشکی در بیمارستان پهلوی سابق (امام خمینی فعلی) مشغول بودم، از نزدیک شاهد ایثارگری تحسین برانگیز جامعه پزشکی در مواجهه مجروحین بودم و البته این جریان در همه شهرها و بسیاری از مراکز درمانی به وضوح مشهود بود. به گونه‌ای که مراکز بیمارستانی خود یکی از پایگاه‌های مبارزه و مأمونی برای مردم مبارز تلقی می‌شد و در همین راستا هم شهیدانی تقدیم انقلاب نمودند که به عنوان نمونه می‌توان به آرامگاه شهید دکتر عزت الملوک کاووسی، در بیمارستان امام خمینی اشاره نمود.

ایثار جامعه پزشکی در جریان جنگ تحمیلی: جامعه پزشکی جزو معدود گروهی بودند که برای رفتن به مناطق محروم و نیز جبهه‌های جنگ تحمیلی، برای آن‌ها قانون وضع شد و البته معالجه مجروحین جنگ را از خط مقدم تا پشت جبهه و شهرها عهده دار بودند. در رفتن به جبهه‌ها عده‌ای داوطلبانه تیم‌های اضطراری پزشکی را تشکیل دادند و برای هزرمانی که رابطین و مسئولین از آنها می‌خواستند در اسرع وقت، خود را به خطوط مقدم جبهه‌ها می‌رساندند و با ایثارگری‌های فراوانی در کنار دادن شهدا و مجروحینی بسیار، ادای دین به کشور نمودند. به عنوان نمونه شهید دکتر محمد علی رهنمون که معاون درمان اینجانب در جایگاه مسئول بهداری کل سپاه بود و در زمان عملیات‌ها معمولاً عهده دار اداره و مدیریت بیمارستان صحرایی بود در عملیات خیبر، زمانی که در حال قنوت نماز بود با اصابت موشک به سنگر پزشکان، به درجه رفیع شهادت نایل شد. در هنگام جنگ شیمیایی دشمن، کم نبودند پزشکیانی که خود بی‌دفاع در برابر حمله شیمیایی به مداوای مجروحین می‌پرداختند.

از خودگذشتگی جامعه پزشکی در جریان اپیدمی ویروس کرونا: جامعه پزشکی ایران در مواجهه با پدیده ویروس کرونا، که یک بیماری نوپدید است و اطلاع چندانی از بیماری‌زایی، علائم، تشخیص و درمان و روش‌های محافظتی از آن را نمی‌دانست بدون داشتن سلاح کافی حفاظتی برای مداوای بیماران شتافتند و چه جان‌های عزیزی که ایثارگرانه، شجاعانه و درعین حال مظلومانه و غریبانه به دیار باقی شتافتند. ده‌ها شهید راه خدمت از جامعه پزشکی، از جمله مرحوم دکتر حبیب الله پیروی، فوق تخصص جراحی عروق و استاد دانشگاه و رییس سابق دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، مرحوم دکتر افشار امیری، فلوشیپ روانپزشکی نظامی

روزی مردی از دکتر می‌پرسد: "شما چرا با این سن و خستگی ناشی از کار، از موتور سیکلت استفاده می‌کنید؟" دکتر پاسخ می‌گوید: "خانه بیمارانی که من به دیدن آن‌ها می‌روم آن قدر پیچ در پیچ است و کوچه‌های تنگ دارد که هیچ ماشینی از آن نمی‌تواند عبور کند." وی روحی عظیم و متواضع داشت. در مقابل بیمارانش با فروتنی رفتار می‌کرد، گویی چون یکی از آن‌هاست و به حق عاشق مردم بود.

در سال ۱۳۵۲ دکتر شیخ به علت بیماری سخت بستری می‌گردد و مردم به طور خودجوش برای او مراسم دعا برپا می‌کنند. سرانجام دکتر مرتضی شیخ در سال ۱۳۵۵ پس از چند سال بیماری در شهر مشهد در گذشت. پس از فوت ایشان آنچنان مراسم تشیع با شکوهی برای وی به عمل آوردند که تا آن زمان شهر مشهد چنین مراسمی در خود ندیده بود. و نیز مراسم متعدد ختم خودجوش در محلات مختلف مشهد تا مدت‌ها برای او برگزار می‌شد. (۷)

شرح مختصری از زندگی استاد دکتر محمد قریب (۱۲۸۸-۱۳۵۳ ه.ش): محمد قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در دبستان سیروس و متوسطه را در دارالفنون گذراند. او در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در زمره اولین گروه دانشجویان ایرانی که برای ادامه تحصیل به فرانسه رفتند به همراه مرحوم مهندس مهدی بازرگان بود. او در سال ۱۳۱۴ نخستین ایرانی بود که توانست در کنکور انترنی بیمارستان پاریس پیروز شود.

وی در طول سال‌های فعالیت علمی خود در کنگره‌های مختلف بین‌المللی در کشورهای مختلف از جمله فرانسه، آمریکا، کانادا، ژاپن، ترکیه و اتریش دعوت شد و عضویت چندین مجمع علمی بین‌المللی را برعهده داشت. او نخستین تعویض خون را در ایران انجام داد و از بنیان‌گذاران انتقال خون در ایران بود.

محمد قریب دروس پزشکی را در دانشگاه تهران به دانشجویان رشته پزشکی تدریس کرد. او در حین فعالیت علمی فعالیت سیاسی و اجتماعی نیز داشت به گونه‌ای که بارها در کلاس درس از اقدامات محمد رضا شاه پهلوی انتقاد نموده و پس از واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز پس از امضای یک بیانیه به همراه ۱۰ تن دیگر از اعضای هیئت علمی دانشگاه مانند مهدی بازرگان، یدالله سبحانی و نعمت‌اللهی به دستور محمدرضا پهلوی از دانشگاه اخراج شد. از دیگر اقدامات او بنیانگذاری و تأسیس اولین بیمارستان تخصصی کودکان یعنی بیمارستان مرکز طبی کودکان به همراه حسن اهری بود که این اقدام را در زمان بازنشستگی خود انجام داد.

آغاز فعالیت حرفه‌ای دکتر محمد قریب: پزشکان زیادی در آن دوران، دکتر قریب را در تشخیص بالینی فوق‌العاده و کم نظیر می‌دانستند. وی از همان سال‌های آغازین بازگشت به وطن، مطبی در کنار منزل خود بنا کرد و هر روز از ساعت ۲ بعدازظهر تا ۹ شب مشغول معاینه و مداوای بیماران بود و از بیشتر آن‌ها هیچ پولی بابت طبابت دریافت نمی‌کرد. جالب است بدانید حق ویزیت او نسبت به آن همه شهرتی که در علم طبابت داشت، حتی از شاگردان خودش هم پایین‌تر بود.

دکتر قریب، به پاس خدمات علمی، نشان دانش از دانشگاه تهران و نشان

را به جا بیاورم و آن درد و غم بود. درد و غم از وجود اکسیری ساخت که جز حقیقت چیزی نبود، جز فداکاری راهی بر نگزیند و جز عشق، چیزی از آن ترشح نکند" (۹).

این حقیر سراپا تقصر، به عنوان جزئی کوچک از همکاران تیم پزشکی، جسارتاً به خود اجازه می‌دهم که بگویم قاطبه جامعه پزشکی و پرستاری، همه صحنه‌های زندگیشان، مشاهده درد و غم دیگران است بنابراین این انتظار هست که یادآوری را به همه همکاران سپید جامگان پزشکی داشته باشم و آن، اینکه ای عزیزان بزرگوار، شما از ارکان بالای سرمایه اجتماعی و مورد اعتماد آحاد مردم هستید. چشم‌های اشکباری و دل‌های غمگینی و دست‌های بر دعا گرفته‌ای، شما را شب و روز زیر نظر دارند و شاکر و دعاگوی خدمات شما زندگان و استغفار کنندگان از در گذشتگان از این جامعه هستند. کما اینکه زمانی که سریال دکتر قریب توسط هنرمند شهیر جناب کیانوش عیاری در سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شد این حقیر، خود شاهد بودم که چه خیل عظیمی از مردم ناشناس بر سر مزار گم شده او در قبرستان شیخان قم، به فاتحه خوانی مشغول بودند. والبتنه که اجر عظیم الهی به عنوان احیاء کننده نفوس انسانی نزد درگاه حضرت حق، محفوظ و جاوید خواهد ماند..... وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا... (۱۰)

بنابراین خوب است جامعه فرهیخته پزشکی، همگی، یکدیگر را متذکر باشیم که به تبعیت از پیشکسوتان و مرانامه پزشکی برزویه و شیوه رفتار ماندگاران جامعه پزشکی، و نیز توصیه‌های پیشوایان دینی، اجر و پاداش همه جانبه ما در نزد خلق و خالق و البته تاریخ، به مراتب بیش از ناچیز حق ویزیت ما است. آن را ارزان نفروشیم که ارزان فروشی آفت این حرفه است.

که در عملیات شیمیایی سردشت، ماسک خود را به دختر بی پناه کردی داد و خودش با سابقه شیمیایی، در این ایام، مظلومانه و غریبانه تسلیم کرونا و آسمانی شد. این‌ها و دیگرانی که در این مقاله امکان نام بردنشان نیست همچون ستارگان درخشانی در آسمان ایران زمین، همگی را وامدار ایثار خود نمودند. البته انتظار آن است که از همه شهدای راه خدمت از جامعه پزشکی و پرستاری، طی مراسمی در موقعیت مقتضی قدرشناسی صورت گیرد.

۶. رفتار نابهنجار عده‌ای محدود و معدود: بدیهی است در هر جامعه و حرفه‌ای، کمیاب افرادی که از حدود و تعهد حرفه‌ای خارج می‌شوند یافت می‌شوند. کمتر حرفه‌ای هم از این امر مستثنی است اعم از وکیل و قاضی، خبرنگار و روحانی، پزشک و مهندس و غیره. اما کمال بی‌انصافی است که خروج از تعهد حرفه‌ای افراد محدود و معدود از جامعه پزشکی را به حساب قاطبه آن صنف نگاشت و آن را در رسانه‌ها به وفور انتشار داد. امید آن که راه گم‌کردگان بی‌انصاف و غافل، از هر گروهی به راه عدل و انصاف تغییر مسیر دهند.

۷. انتظار تداوم بخشی جایگاه رفیع سرمایه اجتماعی حرفه پزشکی و پرهیز از ارزان‌فروشی: در این بخش نهایی، دلنوشته‌ای از مناجات عارف مجاهد شهید دکتر چمران را می‌آورم: "خدایا همه چیز را به من ارزانی داشتی و بر همه شکر کردم. جسم سالم و زیبا دادی، پای قوی و تن چالاک عطا کردی، بازوان توانا و پنجه هنرمند بخشیدی، فکر عمیق و ذهن شدید دادی، از تمام موهبات علمی به اعلی درجه برخوردارم کردی، موفقیت‌های فراوان به من دادی، از همه چیز و از همه کمالات به حد نهایت به من عطا کردی، و بر همه اش شکر می‌گذارم. اما ای خدای بزرگ، یک چیز بیش از همه چیز بر من ارزانی داشتی که نمی‌توانم شکرش

منابع

1. https://fa.wikisource.org/wiki/%DA%A9%D9%84%DB%8C%D9%84%D9%87_%D9%88_%D8%AF%D9%85%D9%86%D9%87/%D8%A8%D8%A7%D8%A8_%D8%A8%D8%B1%D8%B2%D9%88%DB%8C%D9%87_%D8%B7%D8%A8%DB%8C%D8%A8
2. <https://salamat.life/tag/%D9%85%D8%B1%D8%A7%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D9%BE%D8%B2%D8%B4%DA%A9%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%B2%D9%88%DB%8C%D9%87-%D8%B7%D8%A8%D8%B8%DB%8C%D8%A8>
۳. قرآن کریم: آیه ۸۰ سوره شعراء.
۴. تحف العقول، ص ۳۲۱، بحارالانوار، جلد ۷۸، ص ۲۳۵، ح ۹، کتاب دانش نامه احادیث پزشکی جلد ۱، محمدی ری شهری، ص ۳۵
۵. کتاب دانش نامه احادیث پزشکی جلد ۱، محمدی ری شهری، ص ۱۸۱، حدیث ۲۲۹
۶. کتاب دانش نامه احادیث پزشکی جلد ۱، محمدی ری شهری، ص ۱۸۱، حدیث ۲۳۰
7. <https://www.hamshahrionline.ir/news/163743/%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D9%85%D8%B1%D8%AA%D8%B6%D8%B8%DB%8C%D8%B4%DB%8C%D8%AE-%DB%B1%DB%B2%D8%B8%DB%B6-%DB%B1%DB%B3%DB%B5%DB%B5>
8. <https://www.parvaresheafkar.com/biography/mohammad-gharib/>
۹. کتاب زمزم عشق: دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی، انتشارات خادم الرضا، چاپ سوم بهار ۱۳۹۰، صفحه: ۱۳۰
۱۰. قرآن کریم: بخشی از آیه ۳۲ سوره المائدة